

رسانه‌های اپوزیسیون رفتار عجیبی در برابر خبر مهم این روزها داشتند

پهلویست‌ها صاحب عزای آتش‌بس



علی ملکی

خبرنگار گروه نقد روز

«**حزب‌الله در صورت آتش‌بس در شرایط کنونی می‌تواند ادعای پیروزی کند.**» این اعتراف خبرنگاری بی‌بی‌سی حاضر در لبنان، پیش از اعلام آتش‌بس در لبنان بود. مذاکرات برای برقراری آتش‌بس میان اسرائیل و لبنان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات منطقه‌ای، تا روز سه‌شنبه ادامه داشت و نهایتاً در ساعات پایانی این روز، نتایج‌ها در یک پیام ویدیویی اعلام آتش‌بس کرد. این مذاکرات در حالی پیش می‌رفت که کارشناسان منطقه‌ای و بین‌المللی از یک سو با راکمی به سوی کاهش تنش‌ها می‌دانستند و از سوی دیگر، رسانه‌های وابسته به جریان ضد مقاومت، به‌ویژه رسانه‌های عبری، به‌طور آشکاری ناراضیاتی‌شان از اعلام آتش‌بس را فریاد می‌زند. صهیونیست‌ها اما در این مسیر تنها نیستند و هم‌پیمانان پر و پاقرصی همچون اینترنشنال و بی‌بی‌سی و دیگر رسانه‌های پادوی پهلوی را در کنار خود دارند که تا پیش از اعلام آتش‌بس، چندین رضایتی از روند مذاکرات نداشتند و حال‌هم بیش از خود نتایج‌ها و رسانه‌های عبری‌ ظاهر از اعلام آتش‌بس خوشحالدند و سعی می‌کنند این اتفاق را شکست حزب‌الله بدانند. بدیهی است که در این مذاکرات هم حزب‌الله امتیازاتی داشته‌و هم رژیم صهیونیستی منتفع شده، اما پراگتیج‌نگی این رسانه‌ها خود نشان از پیروزی حزب‌الله دارد.

-
-
-

آتش‌بس لبنان؛ بازی نتانیاهوو برتری مقاومت

در طول مذاکرات آتش‌بس در لبنان و پس از اعلام آن، بازوهای رسانه‌ای نتانیاهو کارویژه‌شان را دنبال می‌کنند. مأموریت آنها پیش از آتش‌بس، به تعویق انداختن آن بود و حال‌سعی دارند نتانیاهو را برنده این میدان معرفی کنند. نهایتاً دو طرف این درگیری بر اساس شروطی مشخص به کاهش تنش‌ها و پایان درگیری‌ها متعهد شدند. تا لحظه تنظیم این گزارش، اما این شروط به‌طور رسمی اعلام نشده‌است، ولی از زمان اعلام آتش‌بس، یک دسته از این تعهدات در رسانه‌ها دست به دست می‌شود که البته همچنان رسانه‌های مقاومت آن را تأیید نکرده‌اند. اساس این شروط، حزب‌الله و دیگر گروه‌های مسلح لبنان از هرگونه اقدام تهاجمی علیه رژیم صهیونیستی منع شده‌اند، و در مقابل، اسرائیل نیز تعهد کرده‌است که هیچ‌گونه عملیات نظامی علیه اهدافی در خاک لبنان، چه در زمین، هوا یا دریا، انجام ندهد. این توافق پایه‌رسمیت شناختن قطعنامهٔ ۱۷۰۸ شورای امنیت سازمان ملل، براهمیت باگشت به وضعیت عادی در مرزهای شمالی اسرائیل و جنوب لبنان تأکید دارد.
باین حال، هر دو طرف همچنان حق طبیعی خود را برای دفاع در صورت نقض تعهدات محفوظ نگه داشته‌اند. بر اساس این توافق، ارتش لبنان به‌عنوان تنها نیروی مجاز به حمل سلاح و اعمال قدرت نظامی در جنوب لبنان معرفی شده و تمامی گروه‌های مسلح غیردولتی از این حوزه کنار گذاشته می‌شوند. دولت لبنان متعهد شده‌است که کلیه تأسیسات غیرمجاز مربوط به تولید و نگهداری سلاح

را برچیند و تمامی تسلیحات غیرمجاز را مصادره کند. هرگونه عرضه، فروش یا تولید تسلیحات نیز باید تحت نظارت و کنترل دولت لبنان صورت گیرد. اقدامی که هدف آن تقویت نقش دولت در کنترل تسلیحات و کاهش تنش‌های نظامی است. برای نظارت بر اجراء این توافق، کمیته‌ای مشترک با حضور نمایندگان مورد قبول هر دو طرف تشکیل خواهد شد. این کمیته، همراه با نیروی موقت سازمان ملل متحد در لبنان (یونیفیل)، بر پایبندی به مفاد آتش‌بس نظارت خواهد کرد و هرگونه نقض احتمالی تعهدات را گزارش می‌دهد. همچنین، لبنان موظف است

نیروهای رسمی امنیتی و ارتش خود را در مرزهای جنوبی و گذرگاه‌های مشخص مستقر کند تا از حفظ ثبات و کنترل اوضاع اطمینان حاصل شود. از سوی دیگر، نتایج‌هاو تعهد کردگه‌است که به تدریج و طی حداشتر ۶۰ روز، نیروهای خود را از جنوب خط آبی عقب بکشد. این روند به‌صورت مرحله‌ای انجام خواهد شد تا شرایط اجراء کامل آتش‌بس فراهم شود. ایالات متحده نیز نقش مهمی در این توافق ایفای می‌کند و مسؤولیت مینابجگرگی و حمایت از مذاکرات غیرمستقیم برای تعیین مرزهای زمینی را بر عهده دارد. فرانسه نیز به‌عنوان یک شریک بین‌المللی در نظارت بر اجراء توافق حضور خواهد داشت.

این توافق، که با هدف کاهش تنش‌ها و تقویت ثبات منطقه‌ای صورت گرفته، معادلات جدیدی را در مرزهای لبنان و شهرک‌های اشغالی تعریف می‌کند. در حالی که از یک سو به حقوق دولت لبنان برای اعمال حاکمیت نظامی در مناطق جنوبی تأکید دارد، از سوی دیگر رژیم صهیونیستی دربارهٔ تعهداتی محدود می‌کند که تاکنون برای آن پذیرفته‌شده بود. همکاری‌های بین‌المللی و نقش نظارتی نهاد‌های جهانی مانند سازمان ملل و ایالات متحده، این توافق را به گامی مهم در جهت کاهش درگیری‌های منطقه‌ای و ایجاد نظم جدید در جنوب لبنان تبدیل کرده‌است.

دوربین‌هایتان را خاموش کنید

اوایل جنگ غزه، شبکه‌هایی که از آنها نام برده شد از گوشه و کنار دنیا به اصطلاح کارشناسانی روی آنتن می‌آوردند که حرف مشترک همه آنها یک چیز بود؛ «حماس اشتباه کرده». آنها می‌گفتند حماس با طر‌احی عملیات طرف‌ان الاقصی اشتباه بزرگی کرد و حالا وقت آن‌است که شیرینی الحاق غزه به سرزمین‌های اشغالی را به پاسانسر بزرگ، بنیامین نتانیاهو تعارف کنیم. یک‌سال از آن ماجرا گذشت و حالا چرخ روزگار به شکلی خردخنده که مجریان و گزارشگران این رسانه‌ها تمام تالاششان را می‌کنند که رویا‌های درویشان از خیبرهای مربوط به موقیت آمیز بودن آتش‌بس را بپرواز نهند، اما کار از «رنگ رخسار خبری» می‌دهد. از سر درون، هم‌گذشته و تنها راهی که این روزها پیش پای کارگردانان این برنامه‌هاست، خاموش کردن دوربین‌های فیلم‌برداری است.

تحولات اخیر در مرزهای جنوبی لبنان و شمال سرزمین‌های اشغالی، بار دیگر نشان داد که معادلات نظامی و سیاسی منطقه به‌سود محور مقاومت تغییر کرده‌است. حزب‌الله لبنان، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگران این محور، نه تنها توانسته‌است از نظر نظامی با اسرائیل رقابت کند، بلکه به یک عامل تعیین‌کننده

در سیاست داخلی و منطقه‌ای لبنان نیز تبدیل شده‌است. در ماه‌های اخیر، تبادل آتش میان حزب‌الله و اسرائیل به شکلی منظم اما محدود، ادامه داشت. حملات حزب‌الله با دقت نظامی باالو از انتخاب هوشمندانه اهداف، نشان داد این گروه از لحاظ استراتژیک برتری خود را بر اسرائیل تحمیل کرده‌است. در حالی‌که اسرائیل تلاش داشت این حملات را کوچک جلوه دهد، ناراضیاتی‌ها و دگرگونی‌های سیستمی در کابینه نتانیاهو حاکی از لغزش پذیری خودرژیم صهیونیستی است.

پهلویست‌ها در تقابل با آتش‌بس

مذاکرات جاری میان اسرائیل و لبنان که روز گذشته به یک سرانجام موقت رسید، اگرچه به‌ظاهر با هدف کاهش تنش‌ها آغاز شده‌است، اما در واقع بازتابی از تغییر توازن قدرت در منطقه‌است. حزب‌الله، با استفاده از ابزارهای نظامی و سیاسی، اسرائیل را به پذیرش قواعدی جدید وادار کرده‌است. آن‌طور که از گزارش‌های منتشر شده توسط رسانه‌ها پیداست، این قواعد نه تنها شامل محدودیت‌های نظامی برای اسرائیل در مرزهای شمالی سرزمین‌های اشغالی می‌شود، بلکه پیامی روشن به تل‌آویو و حامیان غربی‌اش دارد؛ مقاومت آماده‌است تا در صورت هرگونه تجاوز، پاسخ کوبنده‌ای بدهد.

با این حال، آنچه این مذاکرات را برای تحلیلگران برجسته می‌کند، واکنش‌های رسانه‌های جریان ضد مقاومت است. رسانه‌هایی مانند ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی که وابسته به جریان رضا پهلوی‌اند، تلاش کرده‌اند مثل حمایت‌های همیشگی‌شان از رژیم صهیونیستی، با زیر سؤال بردن نقش حزب‌الله و بزرگ‌نمایی هزینه‌های این درگیری‌ها برای لبنان، فضای عمومی را علیه مقاومت تحریک کنند.

ادامه جنگ در لبنان به ضرر نتانیاهو است

وسایعت عبری «کان» به نقل از ایوان داویدی، رئیس یکی از شهرک‌های اشغالی، خطاب به ساکنان شمال سرزمین‌های اشغالی نوشته‌است: «به خانه برگردید، مثل گوسفند به سوی کشتارگاه هدایت می‌شوید!» کان همچنین به نقل از داویدی نوشته‌ما احساس می‌کنیم «رها شده» و مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌ایم. او مستقیماً از این موضوع ابراز نگرانی می‌کند که اتفاق ۷ اکتبر حماس، در مقایسه با چیزی که «حزب‌الله» قادر به انجام آن است کوچک، خواهد بود!

بی‌بی‌سی هم این روزها دست به کار شده و گزارشگرش در لبنان اعتراف می‌کند که به‌رغم تمام خسارت‌هایی که حزب‌الله داشته و رهبرانش را از دست داده، اگر این آتش‌بس الان برقرار شود، طرف حزب‌الله می‌تواند ا دعوا کند که پیروز میدان آنها یند و توانسته‌اند نتانیاهو را مجبور به پذیرش آتش‌بس کند. در بخش دیگری از برنامه‌های این شبکه تلویزیونی، مجری برنامه‌که نگران توسعه جهانی باید از این ساختارهای کهنه کارشناس برنامه را درباره راکت‌های شلیک شده از طرف حزب‌الله به سمت این شهرک‌ها راجو‌یای می‌شود و می‌گوید در یک روز گذشته راکت‌های زیادی به سمت شهرک‌ها پرتاب شده و در ادامه می‌پرسد که فشارهای اسرائیل به لبنان، فقط به

در نسبت روشنفکران ایرانی با زبانِ زبان‌بستهٔ فارسی

کامیل سوهانی
پژوهشگر حوزه فرهنگ

زبان فارسی و نسبت آن با نوسعه‌هر از چند گام‌هی بر زبان روشنفکران وطنی جاری می‌شود. روزی محمود سریع‌القلم زبان فارسی و آشنان نبودن ایرانی‌ها با زبان انگلیسی را عامل نوسعه نیافتگی انسان ایرانی می‌داند، روزی دیگر محسن زبانی بر زبان فارسی این‌گونه خرده می‌گیرد که چرا منتی مانند شاهنامه که هزار سال پیش نوشته شده هنوز هم انسان ایرانی آن را می‌خواند و می‌فهمد؟ این یعنی این زبان بسته‌است و هیچ تغییر و تحولی نداشته و با مفاهیم روز بازسازی نشده‌است. برای اینکه بدانیم مشکل روشنفکران ایرانی با زبان فارسی چیست به مرور کوتاه در کتاب در این زمینه می‌پردازیم. کتاب اول کتابی است از داریوش آشوری با نام «زبان باز» که محسن زبانی صحبت‌های خود خیر در مورد فروبستگی زبان فارسی را از این کتاب اقتباس کرده‌است. داریوش آشوری اصطلاح «زبان باز» را برای توصیف زبانی به‌کار می‌برد که ظرفیت و انعطاف لازم را برای پاسخ‌گویی به نیازهای فکری، علمی و فلسفی زمانه دارد. به عقیدهٔ او، زبان‌هایی مانند فارسی که ریشه در سنت‌های ادبی و تاریخی دارند، برای پاسخ‌گویی به مسائل دنیای مدرن باید از محدودیت‌های خود فراتر بروند و به زبانی باز و پویا تبدیل شوند. آشوری از این ایده دفاع می‌کند که زبان نه‌تنها وسیله‌ای برای بیان اندیشه‌است، بلکه خود نقشی اساسی در شکل‌گیری آن دارد. آشوری به نقد وضعیت فعلی زبان فارسی می‌پردازد و بر این باور است که فارسی به دلیل پیشینهٔ تاریخی و سنت ادبی‌اش، در مواجهه با مدرنیته دچار نوعی ایستایی و ناکارآمدی شده‌است، او معتقد است که زبان فارسی برای پاسخ‌گویی به نیازهای علمی، فلسفی و فرهنگی دنیای امروز، باید بازنگری و بازسازی شود. آشوری پیشنهاد می‌کند که زبان فارسی باید از طریق ترجمه، خلق واژگان جدید و بازنگری در ساختارهای زبانی خود، به زبانی «باز» و انعطاف‌پذیر تبدیل شود که بتواند مفاهیم نوین را در خود جای دهد.

شاهرخ مسکوب نیز کتابی دارد با عنوان «هویت ایرانی و زبان فارسی». مسکوب در این اثر زبان فارسی را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر فرهنگی و تاریخی ایران می‌داند که هویت ایرانی را در طول قرن‌ها حفظ کرده و به آن انسجام بخشیده‌است. او با تأکید بر ارتباط میان زبان و هویت، از اهمیت حفاظت از زبان فارسی در برابر تهدیدهای مدرن سخن می‌گوید و آن را کلیدی برای تداوم فرهنگی و هویتی ایرانیان می‌داند. مسکوب استدلال می‌کند که زبان فارسی نه‌تنها ابزاری برای ارتباط، بلکه بنیانی برای شکل‌گیری هویت ایرانی است. او در کتابش نشان می‌دهد که در دوره‌هایی که هویت ایرانی تحت تهدید قرار گرفته (مانند حملات خارجی یا تسلط بیگانگان)، زبان فارسی توانسته این هویت را حفظ و بازسازی

فاصله چند هفته بود. نکته حائز اهمیت در این زمایش این بود که برخلاف رزمایش‌های پیشین و نمودین با کشورهای همسایه که یگان‌هایی از ارتش جمهوری اسلامی ایران در آن حضور می‌یافتند، این‌بار یگانی نبخه از نیروی زمینی سپاه پاسداران در رزمایش حاضر شد و پذیرش این ترکیب توسط ارتش آذربایجان خود بر اهمیت موضوع افزود.

این رویداد صرفاً یک اقدام روتین نظامی نیست، بلکه نماد عبور از دوره‌ای پر تنش و با ترمف‌ع روابط تهران-باکو است. در سال‌های اخیر، تنش‌هایی ناشی از پیامدهای جنگ دوم قرقه‌باغ، پروژه‌های منطقه‌ای و مذاخلات

بود.

این رویداد صرفاً یک اقدام روتین نظامی نیست، بلکه نماد عبور از دوره‌ای پر تنش و با ترمف‌ع روابط تهران-باکو است. در سال‌های اخیر، تنش‌هایی ناشی از پیامدهای جنگ دوم قرقه‌باغ، پروژه‌های منطقه‌ای و مذاخلات

فصله چند هفته بود. نکته حائز اهمیت در این رزمایش این بود که برخلاف رزمایش‌های پیشین و نمودین با کشورهای همسایه که یگان‌هایی از ارتش جمهوری اسلامی ایران در آن حضور می‌یافتند، این‌بار یگانی نبخه از نیروی زمینی سپاه پاسداران در رزمایش حاضر شد و پذیرش این ترکیب توسط ارتش آذربایجان خود بر اهمیت موضوع افزود.

این رویداد صرفاً یک اقدام روتین نظامی نیست، بلکه نماد عبور از دوره‌ای پر تنش و با ترمف‌ع روابط تهران-باکو است. در سال‌های اخیر، تنش‌هایی ناشی از پیامدهای جنگ دوم قرقه‌باغ، پروژه‌های منطقه‌ای و مذاخلات

رزمایش مشترک ارس: گامی فراتر از یک تمرین نظامی

بازیرگان خارجی فضای اعتماد میان دو کشور را تضعیف کرده بود، اما این رزمایش نشان دهنده تغییر مسیر سیاست‌های دو کشور به سمت همکاری عملیاتی و دفاعی است. ایران با مشارکت در این رزمایش پیام روشنی به بازیگران خارجی ارسال می‌کند. امنیت منطقه قرقاز جنوبی برای جمهوری اسلامی ایران جلوگیری از ترویجی رایج‌بردی دارد و ایسرای اجازه نفوذ یا دست‌اندازی دشمنان در این منطقه حساس را نمی‌دهد. حضور ایران در این رزمایش، به‌ویژه در شرایطی که غرب در تلاش برای تقویت مسیرهای انرژی و نفوذ در قفقاز است نمادی از مقاومت در برابر نقشه‌های آنان است.

از منظر خاص‌تر، این رزمایش نمودی از تلاش جمهوری آذربایجان برای جلب

نگاه مکتب نوسازی به سنت

این مکتب سنت را یکی از موانع اصلی برای توسعه و پیشرفت جوامع می‌داند. در این نظریه، جوامع سنتی معمولاً به‌عنوان نظام‌های ایستا و غیردینامیک توصیف می‌شوند که در آنها ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از تغییرات و نوآوری‌ها جلوگیری می‌کنند. بنابراین، برای دستیابی به توسعه لازم است که جوامع سنتی این موانع را از میان بردارند یا بر آنها غلبه کنند. در مکتب نوسازی، مسئله زبان بخشی از نگاه کلی به مدرنیزاسیون فرهنگی و اجتماعی است. این مکتب زبان را به‌عنوان یک ابزار کلیدی برای پیشرفت و انتقال دانش مدرن در نظر می‌گیرد. از آنجا که یکی از اصول این مکتب تأکید بر پذیرش الگوهای مدرن غربی است، زبان‌های بومی یا سنتی گاه به‌عنوان مانعی در برابر توسعه تلقی می‌شوند، به‌ویژه اگر نتوانند مفاهیم علمی، فنی و فرهنگی مدرن را به‌طور مؤثری منتقل کنند.

از دیدگاه نوسازی، زبان باید بتواند ابزار لازم برای انتقال دانش، فناوری و فرهنگ مدرن فراهم کند. اگر زبان‌های بومی فاقد واژگان یا ساختارهای لازم برای مفاهیم مدرن باشند، ممکن است آن‌کارآمد تلقی شوند. برخی نظریه‌پردازان مکتب نوسازی زبان‌های محلی و سنتی را مانعی برای گسترش عقلانیت و دانش مدرن می‌دانند. این زبان‌ها ممکن است با فرهنگ سنت‌گرایی و ساختارهای اجتماعی قدیمی همراه شوند و انتقال به مدرنیته را کند کنند. دانیل لرتز در کتاب The Passing of Traditional Society به نقش رسانه‌های جمعی، سواد و زبان در مدرنیزاسیون جوامع اشاره می‌کند. او معتقد است که انتقال مفاهیم مدرن نیازمند زبانی است که بتواند این مفاهیم را به‌خوبی منتقل کند و در این

تضعیف موقت حزب‌الله منجر نخواهد شد؟ کارشناس این برنامه هم در پاسخ، به پایگاه اجتماعی «قوی» حزب‌الله در لبنان اشاره کرده و می‌گوید تضعیف حزب‌الله یک امر «موقتی» است. او می‌گوید «هیچ‌کدام» از جنگ‌های اسرائیل در طول ده‌ها سال گذشته نتوانسته به «یک دستاورد و آرامش موقت» ختم شود. مجری اینترنشنال هم در ضلع سوم حمایت از نسل کشی اسرائیل از کارشناس برنامه‌اش می‌پرسد چرانتانیاهو در موقعیت زمانی کنونی پایش را روی ترمزمی گذارد؟ کارشناس هم با اشاره به جزئیات آتش‌بسی که در رسانه‌ها مطرح می‌شده می‌گوید ادامه جنگ در لبنان به همین روش (ادامه جنگ) می‌تواند برای نتانیاهو هزینه‌زا باشد. این کارشناس می‌گوید در اسرائیل فشارهای داخلی وجود دارد و وقتی سال گذشته نتانیاهو این جنگ را در غزه شروع کرد، قرار بود گروگان‌ها را آزاد کند ولی فعلاً بیشتر گروگان‌ها آزاد نشده‌اند. او تأکید می‌کند که اینها نتانیاهو را از داخل تحت فشار می‌برد و این پایان به معنای «پایان حزب‌الله» نخواهد بود.

تغییر معادلات قدرت در غرب آسیا توسط حزب‌الله لبنان

یکی از مسائل مهم در بازخوانی این موارد، ناراضیاتی این رسانه‌ها از مذاکرات آتش‌بس است. «قدرت نیروهای حزب‌الله» یکی از دلایل تثبیت این اتفاق است. مذاکرات آتش‌بس در این برهه زمانی به هر شکل و شیوه‌ای، نشان دهنده جایگاه حزب‌الله به‌عنوان نیرویی بازنارنده‌است. این موضوع برای رسانه‌هایی که همواره تلاش کرده‌اند مقاومت را تضعیف یا حاشیه‌نشین نشان دهند، یک شکست محسوب می‌شود. عامل دومی که این رسانه‌ها ناراضح از آتش‌بس کرده این است که این مذاکرات اگرچه به نوعی به معنای توقف درگیری‌هاست، اما در واقع نشان دهنده پذیرش قواعد بازی هم از سمت حزب‌الله و هم از سوی رژیم صهیونیستی است. این امر برای رسانه‌هایی که از اسرائیل به‌عنوان یک ابرقدرت یاد می‌کنند، قابل قبول نیست و طبیعی است که همه تلاششان را در جهت جلوگیری از این اتفاق کنند.

ممکن است مذاکرات آتش‌بس نوعی «مصالحه» میان طرفین تلقی شود، اما شواهد موجود حاکی از چیز دیگری است. قدرت‌نمایی حزب‌الله در میدان نبرد، واکنش‌های اسرائیل و تأثیر روانی این تحولات بر جبهه داخلی تل‌آویو، همگی از یک واقعیت حکایت دارند؛ مقاومت نه تنها تضعیف نشده، بلکه به نیرویی تثبیت شده و تأثیرگذار تبدیل شده‌است. مذاکرات آتش‌بس به پایان رسید و حالا قرار است تحولات میان حزب‌الله و کابینه نتانیاهو وارد بعد دیگری شود اما این مذاکرات یک پیام واحد داشت: آن‌هم اینکه حزب‌الله، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگران منطقه‌ای، توانسته‌است معادلات قدرت را به‌سود مقاومت تغییر دهد. ناراضحی رسانه‌های جریان پهلویست و ضد مقاومت از این واقعیت، بیش از هر چیز نشان دهنده موفقیت حزب‌الله و محور مقاومت است. این روزها، در حالی که چشم جهان به تحولات لبنان و اسرائیل دوخته شده‌است، حزب‌الله بار دیگر ثابت کرده‌است که تنها با قدرت و استقامت می‌توان قواعد بازی را در منطقه تغییر داد. مذاکرات آتش‌بس، فارغ از نتیجه نهایی، مهر تأییدی بر این واقعیت است.



پنجشنبه ۱۴۰۳



شماره ۴۳۹۱



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE